



Community security of the Zionist regime and the challenges ahead

Rahim Piri¹ | Ghasem Toraby² | Alireza Rezaei³

Abstract

Syria is one of the most important and influential countries in the regional equations between the powers of West Asia and even in the international equations, which has a special place politically, socially and religiously in the Shamat region. Undoubtedly, a large part of the confrontations and commonalities between Iran and Turkey in Syria in the last decade, originated from the political thought of the two countries, which can be easily seen in the face of specific confrontations between the Iranian Shiite and secular Turkish thought in this country. . The findings of the present study show that the central influence in the Syrian equations and the direct role in the survival or non-survival of the central government and maintaining its territorial integrity through the "Kurdish issue" as commonalities of Turkish and Shiite secular political ideas. Iranians in the Syrian crisis and support for influential groups in the Syrian crisis, including the Muslim Brotherhood and the Syrian Alawite groups stemming from Turkish and Shiite political thought, differences in the way of thinking about the crises and revolutions of Arab countries, Differences in the type of view and support of Islamic resistance groups in the region, differences in the type of view of the idea of governance in the region and differences in policies and strategies for implementing political ideas as the most important contradictions of secular political ideas Turkish and Iranian Shiites have been involved in the Syrian crisis.

Keywords: Turkey; Iran; Syria Crisis; Turkish secular political thought; Iranian Shiite political thought.

1. PhD Student, Department of Political Science and International Relations, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan
2. Corresponding author: Associate Professor of International Relations, Islamic Azad University, Hamadan Branch
ghasemtoraby@yahoo.com
3. Associate Professor and Faculty Member, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Islamic Azad University, Hamadan, Iran

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.121.7.4





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

شاپا چاپی: ۵۰۸۷-۱۰۲۵
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۲۶۵۴



امنیت جامعه گانی رژیم صهیونیستی و چالش های پیش رو

رحیم پیری^۱ | قاسم ترابی^۲ | علیرضا رضایی^۳

چکیده

ترکیب جامعه رژیم صهیونیستی در مقایسه با سایر جوامع غیرطبیعی، ناهمگون، تراریخت و از جمعیتی مهاجر تشکیل شده است که از مناطق و کشورهای مختلف در سرزمین های اشغالی گرد هم آمده اند؛ و علی رغم گذشت هفت دهه از عمر این رژیم، هنوز در مرحله ملت سازی با چالش های هویتی و اجتماعی متعددی مواجه می باشد. از این رو، هدف اصلی پژوهش بررسی و تبیین آثار و پیامد آن ها بر امنیت رژیم صهیونیستی است. مقاله حاضر بر آن است با کاربست روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب مکتب کپنهاک، به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چالش های اجتماعی و هویتی اساسی فرازوری امنیت رژیم صهیونیستی کدامند و چه تاثیری بر امنیت آن دارند؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که کاهش مهاجرت یهودیان به داخل سرزمین های اشغالی، مهاجرت معکوس، کاهش جمعیت یهودیان، رشد و گسترش ارزش های آمریکایی در درون جامعه ی صهیونیست ها و همچنین تراکم و فعال شدن شکاف های اجتماعی از چالش های اساسی تأثیرگذار بر امنیت جامعه گانی رژیم صهیونیستی می باشند.

کلیدواژه ها: امنیت جامعه گانی؛ چالش ها؛ مکتب کپنهاک؛ رژیم صهیونیستی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. نویسنده مسئول: دانشیار روابط بین الملل و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
ghasemtoraby@yahoo.com
۳. دانشیار روابط بین الملل و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.121.7.4



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

رژیم صهیونیستی بر پایه‌ی دو مؤلفه‌ی بنیادین هویت صهیونیستی و مذهب یهودی که با انتقال مهاجران یهودی از ده‌ها کشور جهان با فرهنگ‌های متفاوت و متمایز، ساختار سیاسی اجتماعی آن در سال ۱۹۴۸ میلادی توسط صهیونیسم بین الملل بنا شده و تنوع هویت از ویژگی های اصلی این رژیم است. علی‌رغم گذشت بیش از ۷ دهه از تاریخ تأسیس آن، جامعه‌ی رژیم صهیونیستی تراریخت، متکثر و فاقد عناصر تشکیل دهنده‌ی دولت می‌باشد و به علت وجود گسست‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و همچنین چالش‌های سیاسی و اقتصادی، فرآیند ملت‌سازی در درون جامعه‌ی صهیونیست‌ها معیوب و مانع شکل گرفتن هویت واحد و انسجام ملی و هم‌چنین موجب تکوین گروه‌بندی‌ها و تضادهای اجتماعی در درون جامعه‌ی ناهمگون آن شده است. روند روبه افزایش تضادهای درونی نشان می‌دهد ظهور بحران‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی در فلسطین اشغالی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. از سوی دیگر سران این رژیم بر این باورند که همواره موجودیت رژیم صهیونیستی در معرض تهدید دائمی قرار دارد و در واقع مسأله امنیت و بقا همچنان به عنوان متغیری تعیین‌کننده در سیاست کلان رژیم صهیونیستی و دغدغه‌ای اساسی برای آن در بعد امنیت جامعه گانی محسوب می‌شود. از این‌رو با توجه به نقش و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه، روابط ویژه این رژیم با قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا و ادامه‌ی اشغال فلسطین، مطالعه، تبیین و تحلیل چالش‌های اصلی آن در حوزه اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است و این مقاله بر آن است با کاربست روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب مکتب کپنهاک این موضوع را مورد بررسی و به این سؤال اصلی پاسخ دهد که: چالش‌های اجتماعی و هویتی اساسی فراروی امنیت رژیم صهیونیستی کدامند و چه تأثیری بر امنیت این رژیم دارند؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه پژوهش عبارت است از: کاهش جمعیت، مهاجرت (کاهش مهاجرت به داخل و معکوس)، رقابت عمودی و رقابت افقی از چالش‌های اساسی تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی رژیم صهیونیستی می‌باشند؛ که در صورت تداوم و پیوند با سایر مقوم‌ها، تهدیدی وجودی برای امنیت رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند. به منظور بررسی فرضیه در ابتدا مقدمه، پیشینه، روش و چارچوب مفهومی نظری تحقیق نگاشته می‌شود و سپس از آن چالش‌های اساسی و تأثیرگذار بر امنیت جامعه گانی رژیم صهیونیستی شناسایی

ودسته بندی می شوند؛ سپس در چارچوب مکتب کپنهاک تأثیر هر یک از این چالش ها بر امنیت این رژیم مورد بررسی و کنکاش قرار می گیرد و در پایان، جمع بندی و نتیجه گیری کلی از موضوع پژوهش ارائه می گردد.

مرور پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش ها و مطالعات علمی گذشته نشان می دهد که تاکنون تحقیقی با موضوع چالش های تأثیرگذار بر امنیت جامعه گانی رژیم صهیونیستی انجام نگرفته است. اما تاکنون پژوهش هایی در ارتباط با موضوع تحقیق نگاشته شده است که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود:

استرن (۲۰۱۷) در مقاله ای تحت عنوان «مذهب، دولت و بحران هویت یهودی در اسرائیل» که با کاربرد روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، گسست های موجود بین مذهب و دولت رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار داده که نتایج آن نشان می دهد که تعطیلی روز شنبه، گرویدن به آئین یهود، خدمت سربازی ارتدوکس های افراطی و قانون ازدواج و طلاق از چالش های اصلی بین جامعه ی صهیونیست ها ی ساکن فلسطین اشغالی و دولت این رژیم می باشند.

رایمن (۲۰۲۰) در مقاله ی «استقبال گرم برای برخی: اسرائیل از مهاجرت یهودیان دیاسپورا استقبال می کند، مهاجران کارگر و پناهجویان را به شدت محدود می کند»، روند مهاجرت بویژه مهاجرت غیر یهودیان و پناهجویان را در چارچوب قانون بازگشت و برخی چالش هایی که در سه دهه گذشته در فلسطین اشغالی پدیدار شده را مورد بررسی قرار داده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که قوانین محدود کننده تابعیت رژیم صهیونیستی، دارای یک استاندارد دوگانه ای می باشند که از مهاجرت یهودیان به داخل سرزمین های اشغالی استقبال و مانع از پذیرش تابعیت غیر یهودیان می شود.

دافی تافت (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان «جمعیت شناسی و امنیت ملی: سیاست تغییر جمعیت در اسرائیل معاصر» چالش های رژیم صهیونیستی در زمینه های امنیت، هویت و جمعیت شناختی را به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده و یافته های پژوهش نشان می دهد که تغییرات جمعیتی به عنوان یک تهدید وجودی برای این رژیم محسوب می شود.

لینتل (۲۰۲۰) در مقاله ی «چالش ارتدوکس های افراطی برای دولت یهود» که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و در آن افزایش شتابان جمعیت خریدی ها و پیامدهای آن در حوزه های هویت یهودی دولت، هنجارها در حوزه عمومی، حقوق ویژه جامعه ارتدوکس های افراطی را مورد بررسی قرار داده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که درسرزمین های اشغالی، یک جنگ فرهنگی بر سر هویت دولت، اصول راهنمای آن، رابطه دین و دولت در حال انجام است.

پژوهش های مذکور گرچه برخی چالش های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده اند اما فاقد ساختار و چارچوب علمی مناسب می باشند. نکته قابل توجه دیگر این است که پژوهش حاضر امنیت جامعه گانی رژیم صهیونیستی و چالش های آن در حوزه های چهار گانه جمعیت، مهاجرت، رقابت افقی و عمودی را در چارچوب مکتب کپنهاک مورد توجه قرار داده که نسبت به سایر آثار از لحاظ موضوع و هم در زمینه چارچوب نظری متمایز و جامع نگر است از سوی دیگر تلاش محقق در این مقاله بر آن است تا موضوع تحقیق با استفاده از منابع جدید و معتبر خارجی مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و می تواند برای مراکز دانشگاهی، پژوهشی و تصمیم سازان مفید باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که با کاربرد روش توصیفی چالش های اساسی رژیم صهیونیستی در بخش جامعه گانی تبیین که در آن تأثیر هر یک از مؤلفه ها بر امنیت این رژیم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. برای جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز از بررسی های اسنادی، کتابخانه ای و اینترنتی معتبر خارجی با اولویت سایت ها و اندیشکده های رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی استفاده شده است.

چهار چوب نظری

از دیدگاه بوزان امنیت برابرهایی از تهدید است و در نبود مسأله دیگری به نام تهدید درک می شود که به توان دولت ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن ها مربوط می

گردد. به طور کلی امنیت به سرنوشت گروه ها و جامعه بشری ارتباط دارد و فقط در حالت ثانوی و فرعی، امنیت شخصی افراد بشر را شامل می شود. (بوزان، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۳) در واقع مکتب کپنهاک فهم از امنیت را بسط و گسترش داده و پنج دسته کلی امنیت نظامی، امنیت زیست محیطی، امنیت اقتصادی، امنیت جامعه محور و امنیت سیاسی را ارائه می دهد و این مکتب مفهوم امنیت را فراتر از دولت می برد و مرجع های اشاره جدیدی را در بر می گیرد و بر این امر تأکید دارد که امنیت موضوعی در خصوص بقا است و نگرانی امنیتی باید به عنوان یک تهدید وجودی بیان شود. (کالینز، ۱۳۹۸: ۲۰۴) در بین ابعاد پنج گانه، امنیت اجتماعی دارای مفاهیم گسترده ای است و به امنیت گروه های جمعی در ارتباط با سایر جوامع یا نهادهای دولتی که در آن استقرار دارند، اشاره دارد. باری بوزان امنیت جامعه گانی را مربوط به پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت دینی و قومی با شرایط قابل قبول برای تحول می داند که این ارزش ها اغلب از داخل مورد تهدید قرار می گیرند. (Ozolina, 2016: 14-17) در این بخش (امنیت جامعه گانی) موضوع امنیت، هویت های جمعی بزرگی مانند ملت ها و مذاهب هستند که می توانند مستقل از دولت نقش آفرینی کنند و با توجه به سرشت خاص این گونه موضوع ها به دشواری می توان مرزهای قطعی برای متمایز ساختن تهدیدات وجودی از تهدیدات نازل تر ترسیم کرد. بر این اساس، تهدیدهای مطرح برای هویت به این بازمی گردد که چیزی را برای آنچه «ما» خوانده می شود تهدید کننده جلوه دهیم و اغلب بدین ترتیب به پرداختن یا باز تولید آن «ما» کمک کنیم. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۳ و ۵۰-۴۹) بوزان^۱ و ویور^۲ در این باره می گویند جوامعی که دارای گروه های ملی گرایی قومی، مذهبی یا اجتماعات بالقوه بر پایه، جنس، جنسیت یا طبقه هستند، ممکن است بر اساس منابع مختلف تهدیداتی ایجاد کنند، آن هایی که هویت دیگریاد دولت دیگری مطالبه می کنند از این نمونه اند. بنابراین در مکتب کپنهاک، همان طوری که مک سوئی^۳، بوزان، ویور و همکاران آن ها مطرح کرده اند، جوامع بالقوه با چهار تهدید مهاجرت^۴، رقابت طولی^۵، رقابت عرضی^۶ و اُفت جمعیت مواجه هستند. اُفت جمعیت ممکن است منبع دیگر ناامنی جوامع باشد که به دلیل منازعات، زد و خوردهای

1 Barry Buzan

2 Ole Waver

3 Bill Mcsweeney

4 Immigration

3 Horizontal Competition

6 Vertical Competition

قومی، بیماری یا کاهش در نرخ رشد طبیعی جمعیت پیش آید. (واتسون، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰) در مکتب کپنهاک مهاجرت نیز به صورت یک تهدید امنیت اجتماعی تعریف می شود. به گونه ای که یک جامعه در اثر سوخ و نفوذ مردم دیگر «مضمحل» یا «رقیق» می گردد، یا با تغییر اساسی در ترکیب جمعیت هویت گروه نخست دگرگون می شود. مهاجرت تهدیدی وجودی انگاشته می شود، زیرا، هویت جمعیت موجود را به خطر می اندازد. میزان تهدید کنندگی مهاجران به عواملی چون حجم و مقیاس مهاجرت، قابلیت سازگاری و انطباق پذیری جامعه و شیوه ای که هویت جامعه از طریق آن تکوین یافته است، بستگی دارد. (شیهان، ۱۳۹۶: ۱۳۷) در مهاجرت، جامعه میزبان، بر اثر هجوم افراد دیگر بیرون از آن جامعه، تغییری کند زیرا ترکیب جمعیت دچار تغییر و تحول می شود. (کالینز، ۱۳۹۸: ۲۸۱). بنابراین مهاجرت انسان ها، نوع پیچیده ای از تهدید جامعه (محسوب می شود و اصولاً این تهدید بویژه در مواردی که ویژگی های فرهنگی و قومی جمعیت وارده با مردم ساکن متفاوت باشد، در سطح جامعه مؤثر واقع می گردد. مهاجرت می تواند منبع تهدید یار و نفع باشد و در درازمدت باعث تغییر «ملت» شود و در نتیجه ایده دولت رادگرگون سازد. به طور نسبی، مهاجرت می تواند موجب بروز نگرانی مردم محل از خالص بودن فرهنگ و قومیت خود شود. حتی در رژیم اسرائیل مانند اسرائیل که از مهاجران تشکیل شده است، افراد هم مذهب به دودسته اشکنازی و سفاردی تقسیم می شوند که توازن بین آن ها بر ماهیت جامعه و سیاست اسرائیل اثر عمیقی دارد. (بوزان، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۵) در رقابت افقی گرچه مردم الف همچنان در منطقه خود به زندگی مشغولند، ولی به دلیل نفوذ فرهنگی و زبانی کوبنده فرهنگ ب که در همسایگی آن ها وجود دارد، روش های خود را دگرگون می سازند. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۴) به عبارت دیگر در رقابت افقی، افراد در عین آن که مایلند خودشان را همانند افراد X بدانند یا با X ها همانند سازی کنند و از آنچه هستند و فکری کنند به چیز دیگری فکر کنند و به تعریف جدیدی برای خویش برسند. در عین حال امکان ممزوج نمودن و سازگاری تعلقات به گروه های اجتماعی گوناگون، این هدف را دچار چالش، تعارض و کشمکش کرده و افراد قادر به حل مسالمت آمیز آن نخواهند بود. در رقابت افقی، تعارضات میان تعاریف متعددی که فرد به جهت تعلق به گروه های مختلف اجتماعی داراست او را از امکان برخورداری یک الگوی هدفمند مشخص بازمی دارد. در رقابت طولی گرچه افراد X هنوز در جامعه خود زندگی می کنند ولی با این حال آن ها مایلند روش هایشان

را تغییر دهند. زیرا برتری فرهنگی وزبانی، افراد Y که همسایه آن هاست. افراد X راتحت تاثیرقراری دهد. مانند کانادائی هایی که دارای مسلک آمریکائی هستند. دررقابت طولی شاهدنوعی همجواری میان هویت خود و گروه برتر هستیم بدون آنکه تعارضات خاص به بحران منجر شود. (نویدنیای، ۱۳۸۲: ۶۹) درواقع رقابت طولی بر اثراجرای نوعی طرح یکپارچه سازی یانوعی طرح جدایی طلبانه ی منطقه گرایی که مردم الف را به سمت هویت های دامنه دارتریا محدودترمی کشاند آنان دیگر خود را مردم الف نمی شناسند. هرچند طرح های نوع اول مرکزگرایانه و طرح های نوع دوم مرکزگرایانه است ولی هر دو، نمونه هایی از رقابت طولی هستند به این معنا که بر سر شعاع دایره های هویت یا این که بر کدام دایره ی هویت بیش از دیگری تأکید شود کشمکش وجود دارد. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۵-۱۹۴) باتوجه به موارد فوق، مکتب کپنهاک به دلیل داشتن نگاه نوین و رویکردی تخصصی در تحلیل امنیت، می تواند به عنوان رهیافت مناسبی برای نوشتار حاضر مورد استفاده قرار گیرد که در ادامه چهارچالش اساسی پیش روی امنیت اجتماعی رژیم صهیونیستی در این چارچوب، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد:

الف) مهاجرت

در فلسطین اشغالی مهاجرت به عنوان یک سیاست عملی، ریشه در سنت دینی و عقیدتی جامعه ی یهودیان دارد و صهیونیسم از این بستر برای تحقق آرمان های سیاسی خود بهره می گیرد در واقع مهاجرت یهودیان به سرزمین های اشغالی فلسطین، به عنوان یک مؤلفه ی اساسی برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی به شمار می رود که موجب افزایش جمعیت یهودیان در برابر اعراب و سایر غیر یهودیان می شود. بن گوریون، اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مورد اهمیت مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین های اشغالی می گوید: «مهاجرت به فلسطین به منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می کند و ضامن امنیت و آینده اسرائیل است.» (اقتخاری، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۵) در واقع مهاجرت یهودیان از سراسر جهان به سرزمین های اشغالی فلسطین نخستین گام برای پایه گذاری، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و اسکان یهودیان در این سرزمین بوده است. (http://www.awdnews.com, 2015) به طور کلی امنیت رژیم صهیونیستی در این زمینه تحت تأثیر دوچالش اساسی کاهش مهاجرت یهودیان به سرزمین های اشغالی و مهاجرت معکوس قرار دارد که در ادامه به آن ها پرداخته می شود:

کاهش مهاجرت یهودیان به سرزمین های اشغالی

باتأسیس رژیم صهیونیستی و به منظور تحقق راهبرد مهاجرت، اقدامات این رژیم برای جذب و انتقال یهودیان به درون سرزمین های اشغالی به شدت ادامه یافت و به دنبال چهارجنگ معروف بین رژیم صهیونیستی و اعراب، رژیم صهیونیستی بیش از پیش نیازمند جذب مهاجران یهودی بود و برای تسهیل ورود مهاجران یهودی به سرزمین های اشغالی، کنست قانون های بازگشت (سال ۱۹۵۰) و شهروندی (سال ۱۹۵۲) را تصویب کرد. هم زمان با آن آژانس یهود، میلیون ها یهودی را از سراسر جهان با انواع شگردها ی و سوء استفاده از حوادث و بحران های بین المللی جذب و با انجام هزینه های فراوان در شهرک ها اسکان داد.

(<http://www.awdnews.com>, 2015) در واقع فلسطین اشغالی به عنوان سرزمین مهاجران شناخته می شود و اکثر صهیونیست ها از طریق موج های مهاجرت گسترده از مناطق مختلف جهان به فلسطین اشغالی انتقال یافته اند و این امواج مهاجرت در دوره های مختلف و به صورت مستمر ادامه داشته است که در مجموع ۳/۳ میلیون یهودی از زمان تأسیس این رژیم به سرزمین های اشغالی مهاجرت کرده اند که ۴۴ درصد از آن ها پس از سال ۱۹۹۰ وارد فلسطین اشغالی شده اند که اکثر آن ها از مهاجران اتحاد جماهیر شوروی سابق می باشند. (Asmar, 2020) نابراین جمعیت یهودیان خارج، یکی از منابع اصلی مهاجرت به سرزمین های اشغالی است. از این رو تعداد و روند جمعیتی آن، برای برآورد میزان مهاجرت احتمالی از اهمیت خاصی برخوردار است. در حال حاضر (سال ۲۰۱۰) ایالات متحده با حدود ۵/۳ میلیون نفر بزرگترین جامعه ی یهودی و پس از آن و به ترتیب فرانسه با حدود ۵۰۰۰۰۰ یهودی، کانادا با ۳۷۵۰۰۰ نفر، انگلستان با ۳۰۰ هزار یهودی در رده های بعدی قرار دارند. جمعیت یهودیان در اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۲۰۰۸ حدود ۳۴۰۰۰۰ بود که اکثر آن ها (۶۰ درصد) در فدراسیون روسیه اقامت دارند. ظرفیت بالقوه مهاجرت از خاور میانه، شمال آفریقا، تیوپی، اروپای شرقی و بالکان به سرزمین های اشغالی محدود می باشد و اکثر جمعیت آن ها به سرزمین های اشغالی یا آمریکای شمالی و اروپای غربی نقل مکان کرده اند. برخلاف جمعیت یهودیان در سرزمین اشغالی، نرخ رشد جمعیت یهودیان خارج (دیاسپورا) منفی و اکثر آن ها از سطح باروری پایین (بین ۰/۹ تا ۱/۷ کودک) و ساختار سنی بالایی برخوردارند. با این حال، با توجه به کاهش منابع مهاجرت انتظار می رود این روند در آینده نیز همچنان

ادامه یابد. از سوی دیگر روند شتابان کاهش مهاجرت های دسته جمعی از اتحاد جماهیر شوروی سابق و فرسایش مهاجرت از مناطق دیگر جهان و هم چنین رشد منفی دائمی جمعیت یهودیان دیاسپورا در طول دهه های گذشته، افزایش تعداد مهاجران به سرزمین های اشغالی بعید به نظمی رسد. بنابراین روند مهاجرت یهودیان به سرزمین های اشغالی در حال کاهش و تأثیر زیادی بر ساختار جمعیتی و امنیت رژیم صهیونیستی دارد. (Phren & Nitzan, 2010: 4-7) به عبارت دیگر کاهش مهاجرت به داخل فلسطین اشغالی سبب از بین رفتن اکثریت هویت یهودی رژیم صهیونیستی و برهم خوردن توازن جمعیتی با اعراب می شود که این امر امنیت و موجودیت آن را با چالش اساسی مواجه می سازد.

۲- مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس همواره به عنوان یکی از چالش های اصلی رژیم صهیونیستی است که با امنیت و موجودیت آن ارتباط دارد و از دغدغهای مهم سردمداران این رژیم می باشد. بر اساس نظر سنجی روزنامه معاریو^۱، ۲۰ درصد از یهودیان بزرگسال ساکن سرزمین های اشغالی در صدمه مهاجرت از سرزمین های اشغالی و زندگی در کشورهای دیگر می باشند. هم چنین ۱۲ درصد از والدین علاقه دارند که فرزندان آن ها در خارج از سرزمین های اشغالی بزرگ شوند. در این زمینه گزارش هایی مبنی بر اقامت ده هاتن از فرزندان سیاستمداران و وزیران برجسته رژیم صهیونیستی در کشورهای خارجی وجود دارد و آن ها در حال فروش اموال، انتقال پس اندازهای قابل توجه خود به بانک های خارجی و هم چنین خرید املاک در خارج از سرزمین های اشغالی می باشند. بررسی ها نشان می دهد که مهاجرت از سرزمین های اشغالی به علت اوضاع سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نارضایتی عمومی از عملکرد نهاد های این رژیم در حال افزایش است. هم چنین در حدود ۷۰ درصد از صهیونیست های اروپایی یا آمریکایی تبار دارای گذرنامه خارجی هستند و ۸۰ تا ۹۰ درصد از ایام سال را در خارج از سرزمین های اشغالی سپری می نمایند. در نوامبر ۲۰۰۳، ابراهیم بورگ^۲ رئیس آژانس یهود در مقاله ای با عنوان «جامعه ی اسرائیلی شکست خورده و در حال فروپاشی است»؛ با ارزیابی چشم انداز آینده ی این رژیم، از تمایل بسیاری

1 - Ma'ariv

2- Avraham Burg

از سران رده بالای رژیم صهیونیستی برای مهاجرت از سرزمین های اشغالی پرده برداشت. با توجه به روند روبه به رشد مشروعیت زدایی و منزوی شدن رژیم صهیونیستی، تعادل مهاجرت تقریباً به صفر رسیده است که این موضوع بر بقای طولانی مدت این رژیم تأثیر منفی خواهد داشت. (S. Lustick, 2011:46-55) از سوی دیگر شمار صهیونیست هایی که از سرزمین های اشغالی به صورت دائم مهاجرت کرده اند در حدود نیم میلیون نفر می باشند که بسیاری از آن ها جزو دانشجویان، متخصصان و کارآفرینان موفق و برجسته می باشند و فرار مغزها تأثیر منفی زیادی بر جامعه صهیونیست ها دارد. البته شمار افرادی که در خارج از سرزمین های اشغالی متولد شده اند هم بایده این آمار اضافه شود. (DellaPergola, 2011:43) این در حالی است که نظرسنجی آوریل ۲۰۱۰ نشان می دهد که ۶۰ درصد از جوانان اسرائیلی اعلام کرده اند که در صورت مهیا شدن امکان خروج، به ایالات متحده مهاجرت خواهند کرد. در سال ۲۰۰۷، نیمی از اسرائیلی هایی که سن آن ها بین ۱۸ تا ۳۱ سال بود برای زندگی دراز مدت در سرزمین های اشغالی متقاعد و قانع نشده بودند. در مجموع ۴۵ درصد از اسرائیلی هایی که حتی والدین آن ها متولد سرزمین های اشغالی می باشند نیز متقاعد به باقی ماندن در این سرزمین نشده اند. مطالعه ی دان بن - دیوید^۱ که بر مهاجرت بخش جامعه ی دانشگاهی اسرائیلی به ویژه اقتصاددانان متمرکز می باشد، نشان می دهد تعداد اسرائیلی هایی که در دانشگاه های ایالات متحده مشغول به تدریس می باشند، ۵۰ درصد بیشتر از کره جنوبی (به عنوان دومین کشور جهان از نظر تعداد مهاجر دانشگاهی) و ۴۰ برابر میانگین ۲۰ کشور بعدی است. تعداد قابل توجهی از یهودیان جوان، نخبه و فعال در زمینه ی اقتصادی در حال مهاجرت از سرزمین های اشغالی می باشند و انتظار نمی رود فرزندان یانوه های آن ها در فلسطین اشغالی زندگی کنند. (S. Lustick, 2011:48-54) در واقع مهاجرت معکوس یکی از چالش های اساسی برای امنیت رژیم صهیونیستی محسوب می شود و آمارها نشان می دهد علی رغم تلاش های گسترده سران این رژیم و اعطای مشوق های گوناگون از جمله پول، مسکن، شغل و... برای افزایش مهاجرت یهودیان به سرزمین های اشغالی، اما تعداد زیادی از آن ها در حال مهاجرت از سرزمین های اشغالی می باشند. بر اساس گزارش موسسه تحقیقات میدگام^۲ که در سال ۲۰۱۷

1- Dan Ben-David
2 - Midgam Research Institute

منتشر شده است ۲۷ درصد از جمعیت یهودیان به دلیل فقدان امنیت، شرایط سخت زندگی و چالش های اقتصادی بر خروج از سرزمین های اشغالی تأکید دارند.
(<https://www.middleeastmonitor.com>, 2019)

ب) افت جمعیت

جمعیت بخشی جدایی ناپذیر از مفهوم کلان قوم یهود و به عنوان یکی از مؤلفه های بنیادین بقا و موجودیت رژیم صهیونیستی محسوب می شود. (DellaPergola, 2011:86) رژیم صهیونیستی که همواره موجودیت خود را در معرض تهدید دائمی و فراگیری بیند، تغییرات نسبتاً اندک جمعیتی نیز ممکن است این رژیم را با چالش سیاسی و پیامدهای پیش بینی نشده ای مواجه نماید. بین چالش های امنیت، هویت و جمعیت شناسی رژیم صهیونیستی با تغییرات جمعیتی، امنیت ملی، منطقه ای و بین المللی آن ارتباط ویژه ای وجود دارد. (DuffyToft, 2012) بنابراین جمعیت شناسی نقش اساسی در درک و شناخت جامعه ی صهیونیست ها دارد و در طول زمان، روند آن دچار تحول و دگرگونی شده و فارغ از هزینه های آن، مبارزه ی این رژیم برای حفظ اکثریت جمعیت یهودیان در سرزمین های اشغالی رانشان می دهد. عوامل جمعیت شناختی مانند میزان باروری، ساختار جامعه ی صهیونیست ها و سیاست های مربوط به مهاجرت از ابزارهای اساسی رژیم صهیونیستی برای تداوم برتری جمعیت یهودیان محسوب می شوند؛ به عبارت دیگر از آغاز تأسیس این رژیم، همواره حفظ اکثریت و پایش مستمر جمعیت یهودیان به منظور تداوم برتری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یهودیان بر اعراب، برای سردمداران رژیم صهیونیستی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (Stypinska, 2007:105) با توجه به موارد فوق و درهم تنیدگی جوامع یهودیان دیاسپورا و داخل سرزمین های اشغالی فلسطین، چالش های رژیم صهیونیستی در زمینه افت جمعیت (کمی و کیفی) و تأثیر آن بر امنیت این رژیم مورد بررسی قرار می یرد:

۱. کاهش جمعیت یهودیان خارج از سرزمین های اشغالی فلسطین

روندهای جمعیت شناسی پیامدهای بسیار ناگواری برای آینده ی صهیونیست ها نشان می دهد که بر اساس آن ها جمعیت یهودیان خارج (دیاسپورا) در حال کاهش و پیرشدن است. یهودیان خارج از سرزمین های اشغالی، ایالات متحده، اروپا و سراسر جهان، با واقعیت های جمعیتی نگران کننده تری مواجه می باشند. به گونه ای که هم اکنون نرخ باروری (در هر خانوار) در اروپای

غربی بیش از ۴۰ درصد، در ایالات متحده بیش از ۵۰ درصد و در اتحاد جماهیر شوروی سابق بیش از ۷۵ درصد کمتر از متوسط ۲/۱ نفر است که با تداوم روند فعلی تا سال ۲۰۲۰، تعداد ۶۰۰۰۰۰ یهودی از جمعیت ۷/۷ میلیون نفری کنونی (سال ۲۰۱۱) یهودیان خارج کاهش می یابد و پیش بینی می شود در هزاره ی سوم، جمعیت شناسی یکی از عوامل مهم در تعیین آینده یهودیان خواهد بود. برآوردهای جمعیتی برای سال ۲۰۲۰ و پس از آن نشان می دهد در صورت کاسته نشدن روند کنونی، دورنمای تعادل جمعیتی یهودیان در وضعیت خطرناک و نگران کننده ای قرار می گیرد. (DellaPergola, 2011: 8-14)

بر اساس پژوهش انجام گرفته توسط سر جیو دلا پرگولا جمعیت شناس بر جسته رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۱، بیش از ۸۰ درصد از یهودیان در سرزمین های اشغالی فلسطین (اسرائیل) و ایالات متحده آمریکا ساکن می باشند و سایر آن ها در حدود ۱۰۰ کشور ساکن هستند که بیش از ۹۵ درصد آن ها به ترتیب در ۱۵ کشور فرانسه، کانادا، انگلستان، روسیه، آرژانتین، آلمان، استرالیا، برزیل، اوکراین، آفریقای جنوبی، مجارستان، مکزیک، بلژیک، هلند و ایتالیا بسر می برند. (DellaPergola, 2011: 22)

گرچه مهاجرت به رشد سریع جمعیت یهودیان در سرزمین های اشغالی اسرائیل کمک زیادی کرد، اما برآورد (سال ۲۰۱۴) می شود که بیش از نیمی (در حدود ۵۸ درصد) از جمعیت یهودیان جهان، خارج از سرزمین های اشغالی فلسطین مقیم می باشند که در حدود ۴۰ درصد از آن ها ساکن ایالات متحده آمریکا و پس از آن در هر یک از کشورهای فرانسه، کانادا و انگلیس کمتر از ۴ درصد زندگی می کنند. با توجه به این که امکان مهاجرت گسترده یهودیان از کشورهای پیشرفته به سرزمین های اشغالی فلسطین بعید می باشد، بیشتر رشد جمعیتی کنونی و آینده رژیم صهیونیستی در نتیجه افزایش طبیعی جمعیت آن خواهد بود. (Chamie, 2014)

این در حالی است که بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی^۱ جمعیت یهودیان جهان از سال ۱۹۴۸ تا کنون با ۲۶ درصد رشد، به ۱۴/۵ میلیون نفر افزایش یافته است، ایالات متحده با ۵/۷ میلیون نفر دومین جمعیت یهودی جهان را دارا می باشد؛ هم چنین فرانسه با ۴۵۶۰۰۰، کانادا با ۳۹۰۰۰۰، بریتانیا با ۲۹۰۰۰۰، آرژانتین با ۱۸۱۰۰۰، روسیه با ۱۷۶۰۰۰، آلمان با ۱۱۷۰۰۰ و استرالیا با ۱۱۳۰۰۰ یهودی در رده های بعدی قرار دارند. (Staff 2018)

هم چنین از سوی دیگر در نیم قرن گذشته جمعیت یهودیان اروپا در حدود ۶۰

1- Central Bureau of Statistics (CBS)

درصد کاهش یافته و هم اکنون از هر سه یهودی اروپایی، دونفر در فرانسه، انگلستان یا آلمان زندگی می کنند. (Maltz, 2020)

۲. کاهش نرخ باروری یهودیان و افزایش جمعیت غیر یهودیان

جوزف چامی^۱ مدیر سابق بخش جمعیت سازمان ملل و هم چنین مدیر تحقیقات مرکز مطالعات مهاجرت نیویورک و سردبیر مجله بین المللی مهاجرت در این باره می گوید: «روزانه حجم زیادی از اخبار، تحلیل و سخنرانی های سیاسی در مورد مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین که توسط آمریکا در جریان است، انتشار می یابد. با این حال رشد جمعیت به عنوان یک مؤلفه ی بسیار با اهمیت در مناقشه ی دهه های گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نرخ های متفاوت رشد جمعیت در حال بازتعریف وضعیت نسبی جمعیت اعراب اسرائیلی (اعراب ساکن مناطق اشغالی ۱۹۴۸)، یهودی ها و فلسطینی های در منطقه است و چشم انداز و آینده چالش برانگیزی برای حفظ اکثریت جمعیت یهودیان را ترسیم می نماید و بر نگرانی ها، مواضع و راهبردهای اصلی مذاکرات از جمله ایجاد مرزها، وضعیت اسکان و بازگشت آوارگان فلسطینی تأثیر خواهد گذاشت.» (Chamie, 2014) در حال حاضر یهودیان، اکثریت جمعیت سرزمین های اشغالی را تشکیل می دهند، اما رشد شتابان جمعیت غیر یهودیان این اکثریت را در درون فلسطین اشغالی و محیط منطقه ای پیرامون آن با چالش اساسی مواجه می سازد. سر جیو دلا پرگولا^۲ جمعیت شناس برجسته رژیم صهیونیستی، کاهش جمعیت یهودیان را چالشی دراز مدت برای این رژیم می داند و بر این باور است اگر رژیم صهیونیستی می خواهد به عنوان کشوری دموکراتیک و یهودی باقی بماند باید برتری جمعیتی خود در سرزمین های اشغالی را حفظ نماید. گرچه نرخ رشد زاد و ولد در بین یهودیان ساکن در داخل سرزمین های اشغالی بسیار بیشتر از یهودیان خارج می باشد و به صورت متوسط ۲/۹ فرزند در هر خانواده می باشد؛ اما نرخ رشد اعراب فلسطینی در داخل سرزمین های اشغالی و کرانه باختری با ۳/۷ کودک در هر زن و شوهر و در غزه تقریباً دو برابر نرخ رشد جمعیت صهیونیست هاست که در صورت تداوم این روند، تا سال ۲۰۲۰ جمعیت یهودیان در سرزمین های اشغالی به ۷۷ درصد کاهش می یابد (۲۳ درصد دیگر اقلیت عرب ساکن در سرزمین های

1-Joseph Chamie

2 - Sergio DellaPergola

اشغالی ۱۹۴۸ می باشند)، از سوی دیگر جمعیت یهودیان سرزمین های اشغالی (در مقایسه با اعراب) با اضافه شدن جمعیت کرانه باختری (بدون احتساب جمعیت غزه و در صورت الحاق کرانه ی باختری به سرزمین های اشغالی) به ۵۶ درصد کاهش می یابد. (در صورت اشغال غزه) جمعیت یهودیان ساکن در حدفاصل دریای مدیترانه و رود اردن به حدود ۴۷ درصد کاهش می یابد (در صورت اشغال والحق کرانه ی باختری، نوار غزه و شرق بیت المقدس).

(DellaPergola, 2011: 8-17) دلا پر گولا در این باره نیز می گوید: «در حال حاضر اگر آمار کارگران خارجی و مهاجران روسی غیر یهودی از جمعیت یهودیان اسرائیل کم شود، یهودیان سرزمین های اشغالی در اقلیت قرار می گیرند.» (Miller, 2015). از سوی دیگر نتایج تحقیقاتی که توسط «سرجیو دلا پر گولا» و «آرون سافر»^۱ انجام گرفته، نشان می دهد که یهودیان نه تنها تا ۲۵ سال آینده، بلکه تا سال ۲۰۲۵ نیز در اقلیت قرار می گیرند. بر اساس این پژوهش که توسط کنست رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۱ انتشار یافته، یهودیان به زودی به همراه مهاجران غیر یهودی ۴۴/۹ درصد جمعیت بین رود اردن و دریای مدیترانه را تشکیل می دهند؛ در حالی که اعراب، دروزی ها و بدوی ها در اکثریت خواهند بود. حتی بدون احتساب فلسطینی های ساکن نوار غزه، یهودی ها تنها تشکیل دهنده ۵۴ درصد از جمعیت خواهند بود و ۴۶ درصد بقیه را اعراب تشکیل خواهند داد و نرخ های رشد جمعیتی با چشم انداز صهیونیست ها مبنی بر تشکیل کشوری با ماهیت یهودی، همخوانی ندارد. (Eldar, 2017) به گونه ای که جمعیت رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۱۹ با نرخ ۱/۵۵ درصد در حال افزایش بود و انتظار می رود این نرخ رشد تا سال ۲۰۵۰ به اندکی بیش از ۱ درصد کاهش یابد و نرخ رشد اعراب (ساکن سرزمین های اشغالی موسوم به اعراب اسرائیلی) نیز ۲/۴ بوده است. (https://worldpopulationreview.com, 2021)

۳. کاهش کیفیت جمعیت یهودیان

یکی دیگر از چالش های رژیم صهیونیستی در موضوع جمعیت، مربوط به کیفیت جمعیت یهودیان می باشد؛ به طوری که نرخ رشد جمعیت یهودیان سکولار همچنان در حال کاهش می باشد. اما بر اساس داده های مرکز آمار، وزارت خانه ها و موسسه بیمه ملی رژیم صهیونیستی، رشد جمعیت یهودیان ارتدوکس افراطی روندی صعودی دارد و جمعیت آن ها در حدود ۱ میلیون و ۱۲۵

1 - Arnon Soffer

هزار نفر است که ۱۲ درصد از جمعیت ساکنان سرزمین های اشغالی فلسطین را تشکیل می دهند. از سوی دیگر در حالی که جمعیت این رژیم در حال پیر شدن است، جامعه ارتدوکس های افراطی بسیار جوان و نیمی از جمعیت آن ها زیر ۱۸ سال می باشند که در صورت تداوم این روند، هر ۱۶ سال، جمعیت آن ها دو برابر خواهد شد. آن ها معمولاً در سنین پایین ازدواج کرده و خانواده های پر جمعیتی دارند. (Cahaner & Malach, 2020) اکثر جامعه ی یهودیان ساکن سرزمین های اشغالی از توزیع ناعادلانه مسئولیت ها و وظایف ناراضی هستند و به خریدی ها به عنوان سربری اقتصادی می نگرند که کمترین نقش مؤثر را در جامعه صهیونیست ها ایفا می کنند. (Lintl, 2020:9-29)

۴- افزایش جمعیت اعراب ساکن سرزمین های اشغالی

افزایش جمعیت اعراب ساکن سرزمین های اشغالی یکی از چالش های بنیادین رژیم صهیونیستی است که در درازمدت ممکن است این رژیم را به یک کشور دو ملیتی تغییر دهد. بر اساس آمار رسمی رژیم صهیونیستی، جمعیت اعراب موجود در فلسطین تاریخی در حال حاضر ۳۰۰ هزار نفر بیش از یهودیان می باشد که این موضوع نگرانی های امنیتی صهیونیست ها را افزایش داده است. این به معنای آن است که افزایش جمعیت فلسطینی ها در سرزمین اصلی خود، رژیم صهیونیستی را در برابر دو گزینه قرار می دهد که نخست باید یک دولت دو ملیتی تشکیل شود که این موضوع بایهودی بودن ماهیت این رژیم در تضاد است و یا این که باید فلسطینی ها را با زور از سرزمین های اشغالی اخراج کنند که این مورد نیز سبب آغاز دور جدیدی از درگیری ها میان دو طرف می شود. (Abd al-Hay, 2020) بر اساس گزارش راهبردی فلسطین ۲۰۱۹-۲۰۱۸ که توسط مرکز مطالعات راهبردی الزیتونه تهیه و انتشار یافته است: «از ۱۳ میلیون جمعیت کل فلسطینی ها، نیمی از آن ها در داخل و نیمی دیگر در خارج از سرزمین های اشغالی بسر می برند. بر اساس این گزارش ۲۲ درصد از فلسطینی ها در کرانه باختری، ۱۵ درصد در نوار غزه، ۱۲ درصد در مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸، ۴۴ درصد در کشورهای عربی و بقیه ی آن ها مقیم سایر کشورها هستند. بنابراین در حدود ۴۹/۷ درصد از فلسطینی ها در داخل سرزمین های فلسطین (اشغالی) ۱۹۴۸، نوار غزه و کرانه ی باختری) و ۵۰/۳ درصد دیگر از آن ها در سایر کشورها زندگی می کنند. (Saleh & eta, 2021:12-13) ایساک

هرتز وگ^۱ رهبر (سابق) حزب کار رژیم صهیونیستی در مراسم افتتاحیه پانزدهمین نشست سالانه کنفرانس هرزلیا^۲، تشکیل یک دولت باده ملیت را بزرگترین تهدید برای موجودیت این رژیم دانست و بر تشکیل یک دولت فلسطینی برای حفظ اکثریت جمعیت یهودیان در سرزمین های اشغالی تأکید کرد. وی در این باره همچنین گفت: «اگر تلاش ها برای دستیابی به توافق صلح در منطقه به سرانجام نرسد در حدود یک دهه دیگر، اعراب بین اردن و مدیترانه در اکثریت و یهودیان در اقلیت قرار خواهند گرفت و خانه ملی یهودیان به خانه ملی فلسطینی ها تبدیل می شود و ما برای اولین بار از سال ۱۹۴۸، یک اقلیت یهودی در میان اکثریت در حال افزایش عرب خواهیم بود». هرتز وگ در ادامه گفت: «من نمی خواهم ۶۱ نفر از نمایندگان کنست، فلسطینی باشند و یک فلسطینی به عنوان نخست وزیر اسرائیل انتخاب شود. نمی خواهم پرچم، شعار و سرود ملی من تغییر کند؛ تشکیل کشوری جداگانه به نفع ما خواهد بود. این نیاز حیاتی دولت اسرائیل است تا فلسطینی ها در آن سوی مرز و دیوارها باشند.» (Staff, 2015) هم چنین یوری مندز^۳، معاون هماهنگ کننده وزارت جنگ رژیم صهیونیستی در امور فعالیت های دولت در جلسه اضطراری کمیته دفاع و امور خارجه کنست در این زمینه گفت: «شمار فلسطینی های ساکن کرانه ی باختری در حدود ۳ میلیون نفر و در نوار غزه بیش از ۲ میلیون نفر می باشد.» وی خاطر نشان کرد که این آمار شامل اعراب ساکن در سرزمین های اشغالی سال ۱۹۴۸ و ساکنان فلسطینی در قدس شرقی نمی شود. هم چنین بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار اسرائیل (CBS)، با افزودن ۱/۸۴ میلیون عرب داخل سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ به جمعیت کرانه باختری و نوار غزه، تعداد کل اعراب به حدود ۶/۵ میلیون نفر خواهد رسید که بر اساس گزارش CBS، جمعیت اعراب تقریباً برابر تعداد یهودیانی است که بین دره اردن و مدیترانه زندگی می کنند. هم چنین احمد تیبی^۴ نماینده سابق اعراب در کنست رژیم صهیونیستی در این باره گفت: «بدون ایجاد دولت فلسطین (دو دولت فلسطینی و صهیونیستی)، اسرائیل آغوش خود را بر روی آپار تاید باز خواهد کرد و یک نخست وزیر عرب فلسطینی خواهد داشت.» او فر شله^۵، عضو کمیته حزب

- 1 - Isaac Herzog
- 2- Herziliya
- 3- Uri Mendes
- 4 - Ahmed Tibi
- 5 - Ofer Shelah

یش آتید نیز گفت: «از دیدگاه جمعیتی، اگر فلسطینی‌ها از اسرائیل جدا نشوند، بدون تردید تحقق آرمان صهیونیست‌ها مبنی برداشتن کشوری یهودی و دموکراتیک با تهدید ی بزرگ مواجه می‌شود.» (Heller, 2018) بنابراین در دوره‌ی معاصر، جمعیت‌شناسی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یکی از دغدغه‌های اساسی رژیم صهیونیستی می‌باشد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در راستای سیاست کلان آن قرار دارد. سردمداران رژیم صهیونیستی بر این باورند که همواره موجودیت این رژیم در معرض تهدید دائمی قرار دارد و بر این اساس تغییرات جمعیتی را به عنوان یک تهدید وجودی برای آن قلمداد می‌کنند. (Duffy Toft, 2012)

ج) رقابت طولی:

رقابت طولی به مواردی اشاره دارد که به دلیل هم‌گرایی یا واگرایی (ادغام یا فروپاشی) گروه‌ها به سمت هویت‌های کوچک‌تر یا بزرگ‌تر هدایت می‌شوند. (کالینز، ۱۳۹۸: ۲۸۱) در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بیش از ۱۵ فرهنگ مختلف وجود دارد که هر یک ریشه در سنت‌ها و تبارهای گوناگون و متمایزی دارند. گرچه اغلب رژیم صهیونیستی را به عنوان تنها کشور یهودی می‌نامند؛ اما تنوع هویت از ویژگی‌های اصلی این رژیم است. (Lee, 2018) در این میان، رشد و گسترش ارزش‌های آمریکایی در جامعه رژیم صهیونیستی و بویژه در میان جوانان، باعث نگرانی سران این رژیم و گروه‌های مذهبی شده است. پیامدهم گسترش ارزش‌های آمریکایی در اسرائیل، کاهش پای‌بندی به آداب و رسوم و ارزش‌های پذیرفته‌شده یهودیان نظیر ازدواج یهودی با یهودی است. کمک‌های مالی گسترده آمریکا به رژیم صهیونیستی و نیز تسهیل رفت و آمد یهودیان سرزمین‌های اشغالی به آمریکا، باعث افزایش نفوذ روزافزون فرهنگ آمریکایی در اسرائیل شده است؛ تا حدی که برخی‌ها اسرائیل را ایالت پنجاه و یکم آمریکا می‌دانند. ادامه این روند باعث نگرانی نخبگان از تسلط فرهنگ غربی بر اسرائیل شده است. سه مجرای تأثیرگذاری عمده آمریکابراسرائیل عبارتند از: ۱. مهاجران آمریکایی در اسرائیل و برعکس، توریست‌های آمریکایی در اسرائیل، ۲. افزایش گرایش به الگوهای فرهنگ آمریکایی، از زبان گرفته تا الگوی کار و ورزش و... ۳. رفتار سیاسی مهاجران آمریکایی به اسرائیل و نفوذ آنها در نظام سیاسی اسرائیل. با گسترش ارزش‌های آمریکایی، خاص بودن جامعه اسرائیل و یهودیان، که یکی از بنیان‌های اصلی ایدئولوژی

1- Yesh Atid

صهیونیسم می باشد، زیرسؤال رفته است. بازتولید هویت یهودی اسرائیل، مستلزم آن است که شهروندان اسرائیل خود را خاص و مجزا از سایر ملت ها و سرنوشت آنها دیده و برای حفظ تنها دولت یهودی جهان فداکاری کنند. اما گرایش روزافزون جوانان به فرهنگ آمریکایی، باورهای آنها را نسبت به بنیان های صهیونیسم سست کرده است. آنها زندگی امن و راحت را بر مبارزه و جنگ برای حفظ موجودیت تنه ادولت یهودی جهان ترجیح می دهند. (قهرمانپور بناب، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۲) نظرسنجی ها هم نشان می دهد یهودیان جوان تردیدگاه های به مراتب انتقادی تری نسبت به سیاست های اسرائیل دارند. جنبش های جدیدی مانند اوپن هیمل و افزایش قابل توجه تعداد یهودیان برای صلح نشان می دهد، که یهودیان جوان به صورت شتابان و گسترده ای در حال حرکت به سوی جوامعی می باشند که با آنها ارزش های مشابهی دارند. آن ها هم چنین از حمایت غیرانتقادی جامعه سازمانی یهودیان از اقدامات اسرائیل که روزبه روز سرکوبگرانه تر می شود فاصله می گیرند. (Dann, 2015)

د) رقابت افقی

مصادیق رقابت افقی در سرزمین های اشغالی فلسطین انواع شکاف های اجتماعی درون جامعه ی صهیونیست ها می باشد که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می گیرند:

۱. شکاف بین یهودیان و اعراب

جامعه ی رژیم صهیونیستی از هم گسسته و در مقوله های مختلف فرهنگی، هویت ملی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، ماهیت دولت و جنگ بین رژیم صهیونیستی و فلسطینی ها دارای شکاف های فراوانی است که این منازعه باشکست و تحقیر اقلیت عرب از سال ۹۴۸ آغاز و این روند با سیری شتابان ادامه دارد. فلسطین از دیرباز سرزمین اقلیت عرب محسوب می شود که از قرن های گذشته تا کنون در این سرزمین سکونت دارند و بین آن ها پیوندی ناگسسته و وجود دارد؛ اما اکثر یهودیان ساکن سرزمین های اشغالی از مهاجران نسل اول تاسوم هستند. به عبارت دیگر اعراب (اعراب اسرائیلی یا ساکن سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸) یک اقلیت قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی هستند که خود را بخشی جدایی ناپذیر از مردم فلسطین و قوم عرب می دانند که در آن سوی مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ زندگی می کنند و در زمینه های زبان، فرهنگ، هویت، حافظه ی تاریخی، روایت ها و وفاداری به ملیت فلسطین و قوم عرب با هم اشتراک نظر دارند. از سوی دیگر یهودیان با فرهنگ اقوام عرب

در زمینه های مختلف مرزبندی دارند. (Smooha, 2010:5-6) و در این میان، هویت، یکی از ابعاد منازعه ی بین صهیونیست ها و فلسطینی هاست که حداقل یکی از آن ها، هویت دیگری را به عنوان تهدیدی علیه خود تلقی و آن را انکار و به رسمیت نمی شناسد. (Bar-Siman-Tov, 2010:100)

روند موجود نشان می دهد اعراب ساکن سرزمین های اشغالی همچنان با خشونت و محرومیت های زیادی در ابعاد مختلف از جمله اسکان، حذف زبان عربی، اعمال خشونت آمیز در اماکن عمومی، عدم استخدام در شرکت ها و موسسات و.... روبرو می باشند و از یک جمعیت حداکثری به یک اقلیت قومی تبدیل شده اند که در پایین ترین طبقه ی اجتماعی - اقتصادی قرار دارد و با انواع تبعیض و محرومیت ساختاری مواجه هستند از سوی دیگر یهودیان، اعراب را دشمن خود می دانند و این مسئله در بین جامعه ی صهیونیست ها و هم چنین سران آن موضوعی کاملاً واضح و آشکار است. بن گورین در سال ۱۹۵۰ در این باره گفت: «باید اعراب را بر اساس آن چیزی که احتمال می رود انجام می دهند قضاوت کرد، نه بر اساس آن چیزی که انجام داده اند». برای این اساس مقامات سازمان های سیاسی - نظامی رژیم صهیونیستی و اکثر یهودیان، اقلیت عرب ساکن سرزمین های اشغالی که تابعیت رژیم صهیونیستی دارند را به دلیل داشتن روابط خانوادگی، فرهنگی، زبانی و نژادی با کشورهای عربی، به عنوان ستون پنجم دشمن و چالشی اساسی برای امنیت این رژیم می دانند. (Lavie & etal, 2018:9-27, 256-295) یکی دیگر از نشانه های این شکاف دائمی، افزایش بی سابقه دامنه ی تعارضات درونی جامعه ی رژیم صهیونیستی است به گونه ای که در حدود نیمی (۴۸ درصد) از صهیونیست های ساکن سرزمین های اشغالی فلسطین، موافق اخراج و یا کوچ اجباری اعراب از فلسطین اشغالی می باشند. (Lipka, 2016) هم چنین بر اساس نظرسنجی دیگری که در سال ۲۰۱۸ توسط موسسه دموکراسی رژیم صهیونیستی انجام شده است این روند روبرو به افزایش است و احساسات شدیدی در میان صهیونیست های سرزمین های اشغالی به ویژه در میان جامعه یهودیان مذهبی علیه اعراب وجود دارد. بر اساس این نظرسنجی بیش از نیمی (۵۲ درصد) از آن ها بر این باورند که یهودیان نسبت به غیر یهودیان برتری دارند؛ زیرا آنها یهودی به دنیا آمده اند. این احساسات شدید ضد اعراب در بین یهودیان مذهبی بیشتر از غیر یهودیان است به طوری که از بین این جامعه ی آماری، ۶۶ درصد از ارتدوکس های افراطی و ۴۵ درصد از صهیونیست مذهبی گزینه ی «کاملاً صحیح است» را انتخاب کرده اند. (Pileggi, 2018) از سوی دیگر و در نتیجه

فشار رژیم صهیونیستی بر اعراب سرزمین های اشغالی، واکنش هایی در قالب جنبش اجتماعی در بین آن ها شکل گرفت. به گونه ای که در فاصله بین دهه ی پنجاه تا دهه ی هفتاد میلادی سازمان های عربی بسیاری تأسیس گردید که با عدم پذیرش و یا محدودیت ها و تنگناهای بسیاری از سوی رژیم صهیونیستی مواجه گردیدند که «جنبش زمین» و جنبش «أبناء البلد» (فرزندان سرزمین) از بارزترین آن ها بود. (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۱۱۰) در دوره ی پساجنگ سرد نیز رژیم صهیونیستی با سوء استفاده از واقعه ی ۱۱ سپتامبر و تحت پوشش مبارزه با تروریسم، سیاست مشت آهنین را در کرانه باختری و نوار غزه به مرحله ی اجرا گذاشت که با واکنش فلسطینی ها مواجه گردید و در آن ده ها هزار تن از اعراب (سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸) در اکتبر سال ۲۰۰۰ با حمایت از انتفاضه دوم مردم فلسطین، علیه رژیم صهیونیستی قیام کردند. در پی آن و با توجه به اهمیت موضوع، این رژیم، کمیسیونی تحت عنوان اور^۱ (به ریاست قاضی عالی رتبه به نام تئودور آور) تشکیل داد که نتایج بررسی این کمیسیون نشان داد که اعراب از سوی رژیم صهیونیستی با محرومیت و اعمال تبعیض های اجتماعی و ساختاری مواجه می باشند. (Lavie & etal, 2018: 13-27) در سال جاری (۱۴۰۰) نیز در پی حمله ی پلیس رژیم صهیونیستی به مسجد الاقصی، اخراج شش خانواده فلسطینی از منطقه ی شیخ جراح و حمله ی صدها عضویک گروه یهودی راست گرای افراطی موسوم به لهوا^۲ به فلسطینی های رهگذر در مرکز قدس، جنگ رژیم صهیونیستی با حماس و سایر گروه های فلسطینی در نوار غزه (جنگ ۱۲ روزه شمشیر قدس) آغاز گردید. (Kingsley, 2021) هم زمان با این جنگ و ادامه اعتراضات فلسطینی ها در قدس، ناآرامی های گسترده ای سراسر شهرهای سرزمین های اشغالی را فرا گرفت و درگیری بین صهیونیست ها و اعراب (اعراب ساکن در سرزمین اشغالی ۱۹۴۸) موجی از ترس و وحشت در جامعه ی صهیونیست ها به همراه داشت که در طول دودهه ی گذشته بی سابقه بود. صهیونیست ها با ابراز نگرانی از وقوع جنگ داخلی، آن را تهدیدی اساسی و ضربه ای جبران ناپذیر برای امنیت و موجودیت رژیم صهیونیستی می دانند. (Berger, 2021) آمی آیلون^۳، رئیس سابق سازمان امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شین بت)^۴ در این باره می گوید: «از زمان تأسیس اسرائیل تا کنون، شاهد این گونه درگیری های داخلی نبوده و نمی دانم آیا می توانیم آن را کنترل

1- OR

2- Lehava

3- Ami Ayalon

4 - intelligence agency (Shin Bet)

کنیم؟» بنابراین ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی دارای شکاف های درونی متراکم و روی هم بارشده ی زیادی است که شکاف بین یهودیان و اعراب در رده ی نخست آن ها قرار دارد. (Howson, 2014:3)

۲- شکاف قومی - طبقاتی بین یهودیان:

رژیم صهیونیستی یکی از ۵ کشور جهان است که میزان شکاف درآمدی در آن بالاست و در رده پنجم جهان قرار دارد. بر اساس گزارش موسسه ملی بیمه و اداره مرکزی آمار این رژیم، نرخ فقر در فلسطین اشغالی ۲۳/۵ درصد است که نشان می دهد یک پنجم خانواده ها، یک پنجم بازنشستگان و یک سوم کودکان در سرزمین های اشغالی زیر خط فقر قرار دارند. یهودیان ارتدوکس افراطی و اعراب مسلمان به عنوان فقیرترین اعضای جامعه ی رژیم صهیونیستی به شمار می روند. (Rosner, 2013) ارزیابی تعدادی از پژوهشگران صهیونیست نیز نشان می دهد که ریشه ی این مقوله ها مبتنی بر این واقعیت است که نابرابری های اجتماعی - اقتصادی منشأ شکاف های درون جامعه ی یهودیان سرزمین های اشغالی می باشد و بر آیند آن نشان می دهد که طی ۵۰ سال گذشته یهودیان اشکنازی از موقعیت برتری نسبت به یهودیان میزراحی برخوردارند و از ادامه ی این روند حمایت می کنند. دستور کار اکثر این تحرکات اجتماعی، سیاسی و غالباً طبقه محور بوده است. به حاشیه رانده شدن، محرومیت و استثمار در رأس اعتراضات میزراحی هانست به وضعیت سیاسی و اجتماعی - اقتصادی کنونی قرار دارد؛ به طوری که عدم تجانس بین میزراحی ها و اشکنازی ها در تمام جنبه های زندگی روزمره کاملاً مشهود است. (Daniele, 2019:205)

در واقع بنیان جامعه ی صهیونیست ها مبتنی بر نگرش های قومی - نژادی می باشد که دارای گسست های فراوانی است و تضادهای قومی در درون جامعه ی صهیونیست ها همچنان در حال افزایش است که سرچشمه و منشأ آن قوم و قاره ی محل تولد آن ها می باشد. (Lewin-Epstein & Cohen, 2016:3) بر اساس گزارش سال ۲۰۱۸ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، نابرابری های اقتصادی و شکاف های اجتماعی همچنان در داخل سرزمین های اشغالی وجود دارد و بروز شکاف طبقاتی و تعمیق آن در جامعه ی صهیونیستی، شکنندگی و خطر انحلال بیش از پیش دولت های ائتلافی رژیم صهیونیستی را در پی داشته است. هم چنین طبق گزارش سال ۲۰۱۸ اداره ی مرکزی

1- OCD

آمار رژیم صهیونیستی، درآمدخالص دهک های بالای خانوارهای آن ها در حدود ۲۲۰۰ دلار در هر ماه است که ۸ برابر درآمدخالص دهک های پایین (۱۳۰۰ دلار در ماه) جامعه ی رژیم صهیونیستی می باشد. همچنین هزینه های افراد درآمد بالا ۶۱۰۰ دلار در حدود ۲/۴ برابر دهک های پایین (۲۵۰۰ دلار) جامعه ی صهیونیستی است. (Staff, 2019:38-39)

۳- شکاف دینی بین یهودیان

یهودیت ترکیبی از عناصر دین، ملیت، اجتماعی و فرهنگی است که در گذشته این مؤلفه های هویتی به عنوان مجموعه منسجم در نظر گرفته می شدند؛ با این وجود، تغییرات اساسی در سبک زندگی یهودیان نسل های اخیر سبب شده است که این انسجام، دچار تزلزل و گسست شود. Stern (2017:4) بررسی جدید مرکز تحقیقات پیو^۱ نشان می دهد که تقریباً همه یهودیان سرزمین های اشغالی در چهار زیرگروه حریدی (ارتدوکس های افراطی)^۲ داتی (مذهبی)^۳، ماسورتی (سنتی)^۴ و هیلونی (سکولار)^۵ تقسیم می شوند. علاوه بر اختلاف در اعتقاد و انجام فرائض دینی، این گروه ها در دنیای اجتماعی عمدتاً متفاوتی قرار دارند که دارای سبک زندگی و سیاست متمایز از یکدیگر می باشند. (Jostarr & Masci, 2016) از ۷۰ سال گذشته تا کنون رژیم صهیونیستی به علت داشتن ماهیت یهودی، رابطه ی پیچیده ای بین مذهب و سیاست آن وجود دارد و سران این رژیم با نپوهی از چالش هادرمینه نقش دین در زندگی و سیاست مواجه می باشند که جلوگیری از پیش نویس قانون اساسی در هنگام تأسیس یکی از آن ها می باشد و مواردی که در سال ۱۹۴۸ یا ۱۹۴۹ به عنوان چالش مطرح بود. که در سال های بعد غیرممکن شدند. به تدریج یهودیان سکولار و ارتدوکس به توافق موقتی به نام ترتیبات حفظ وضع موجود دست یافتند. (Rabinovich, 2018) بنابراین مواضع یهودیان سرزمین های اشغالی در بسیاری از مباحث سیاست عمومی متناقض و بین آن ها تضادهای مذهبی و اجتماعی اساسی وجود دارد و از سوی دیگر رویکرد هر یک از آن ها نسبت به هویت این رژیم نیز بسیار متفاوت است. به عنوان مثال ۸۹ درصد از یهودیان سکولار که ۴۰ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی را تشکیل می دهند؛ برای این باورند در هنگام تضاد بین اصول

1 -Pew Research Center

2- Haredi

3 - Datiim

4- Masorti

5- Hilonim

دموکراتیک و قانون یهود در برخورد با مسائل، باید اصول دموکراتیک در اولویت قرار گیرد. برعکس برای ۸۹ درصد از یهودیان ارتدوکس افراطی، اجرای قانون یهود در اولویت نخست قرار دارد. از گذشته، بیش از نیمی از یهودیان سرزمین‌های اشغالی فلسطین معتقدند شکاف بین یهودیان مذهبی و سکولار به جنگ داخلی منجر می‌شود. در حدود ۵۵ درصد دیگر از آن‌ها روابط بین یهودیان مذهبی و غیرمذهبی را نامناسب می‌دانند. (Stern, 2017:9). در واقع نقش تناقض آمیز مذهب، جلوه‌هایی از بی‌ثباتی سیاسی را در جامعه اسرائیل پدید آورده است. به طوری که تحمل ترتیبات حفظ وضع موجود برای یهودیان سکولار روز به روز مشکل‌تر می‌شود؛ تردیدی نیست که تغییر در وضع موجود به سود سکولارها، جامعه مذهبی ارتدوکس را به شورش وامی‌دارد و تغییر آن به نفع مذهبی‌ها نیز جامعه اسرائیل را برای سکولارها غیرقابل تحمل می‌کند. افزون بر این، دموکراسی‌ای نیز که اسرائیل مدعی آن است با خطر نابودی مواجه می‌سازد. (دهقانی، ۱۳۸۷:۲۱) آلن کوپرمن^۱، مدیر تحقیقات بخش مذهبی پیونیز در این زمینه می‌گوید: «این گروه هادریک کشور کوچک زندگی می‌کنند، اما در درون همان کشور مانند این است که در دنیا‌های متفاوت و جدا از هم زندگی می‌کنند.» وی گفت: «در همه‌ی جوامع شکاف‌ها و تضادهای گوناگونی وجود دارد، اما بر آورد کارشناس نظرسنجی از میزان شکاف هادرسرزمین‌های اشغالی فلسطین این است که رژیم صهیونیستی در حال سقوط است.» (Kershner, 2016) همچنین بر اساس گزارش موسسه «پیو»، رژیم صهیونیستی یکی از ۲۰ کشور نخست جهان می‌باشد که دارای محدودیت آزادی‌های مذهبی است و این رژیم به لحاظ شاخص «خصوصیت‌های اجتماعی مربوط به هنجارهای مذهبی» در رده پنجم دنیا و از نظر «تنش و خشونت مذهبی» ششمین کشور جهان می‌باشد. (Sales, 2019)

۴- شکاف چپ و راست

شکاف‌های سیاسی درون جامعه‌ی رژیم صهیونیستی، بیانگر کشمکش‌ها و تعارض‌هایی است که در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی آن‌ها ظهور و بروز یافته‌اند که از بین آن‌ها دو مؤلفه

1- Alan Cooperman

اساسی تأثیرگذار بر امنیت رژیم صهیونیستی عبارتند از:

۴-۱- تضاد بین یهودیت و دموکراسی

رژیم صهیونیستی از ابتدای تشکیل تا کنون یک رژیم مبتنی بر «دموکراسی قومی» است و هرگز به میثاق مندرج در اعلامیه تأسیس آن مبنی بر برخورداری بودن ساکنان آن از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر و بدون در نظر گرفتن مذهب، نژاد و جنسیت عمل نکرده و یک رژیم لیبرال دموکراسی محسوب نمی شود. (Waxman, 2018) در واقع در درون دموکراسی قومی رژیم صهیونیستی دواصل متناقض وجود دارد: نخست این که این رژیم، باید دموکراتیک باشد که حقوق و رفتار برابر را برای شهروندان خود تضمین نماید و دوم این که هم زمان باید یک کشور یک ملیتی همگن باشد و این در حالی است که رژیم صهیونیستی از اکثریت یک قوم (نژاد یهودی) تشکیل شده است. در این میان یکی از مهمترین باورها در مورد دموکراسی قومی این است که شهروندان عرب اسرائیلی به عنوان یک تهدید بالقوه امنیتی و سیاسی برای دولت و ویژگی قومی این رژیم محسوب می شوند. در واقع برابری (بویژه در برابر قانون) با مقاومت قابل توجهی روبرو است و نمایانگر نقطه ضعف و پاشنه آشیل دموکراسی رژیم صهیونیستی می باشد. بنابراین ارزش ها و اصول «دموکراسی قومی» رژیم صهیونیستی برای تداوم یک جامعه ی همگن یهودی، نظارت قانونی بر آن ها و هم چنین ایفای نقش به عنوان یک کشور متمرکز است. این انگاره که یک دولت هم زمان می تواند «یهودی و دموکراتیک» یا «دموکراسی قومی» باشد مانند عبارت «یخ داغ» است. زیراترکیبی متناقض از اصول مخالف یکدیگر می باشد. (Howson, 2014, p:99-101) از سوی دیگر روند دو قطبی شدن جامعه صهیونیست هادر حال افزایش است و هر یک از گروه ها، دیدگاه های بسیار متفاوتی در مورد دموکراسی رژیم صهیونیستی دارند. یافته های موسسه دموکراسی رژیم صهیونیستی^۱ در سال ۲۰۱۸ نشان می دهد شکاف دموکراسی در سرزمین های اشغالی فلسطین در حال تبدیل شدن به یک گسست اساسی و بنیادین است و یکی از این شکاف ها، دوگانگی های شدید در مورد قانون دولت - ملت می باشد. (Friedman, 2018) بر اساس این قانون (دولت - ملت)، حذف زبان عربی به عنوان یک زبان رسمی، اعطای تابعیت به یهودیان سراسر جهان، تقویت

1-The Israel Democracy Institute

نمادها و نشانه های قوم یهود، عدم حقوق برابر برای غیریهودیان، اسرائیل خانه ملی یهودیان و... مورد تأکید قرار گرفته است. در این قانون یک پنجم جمعیت این رژیم به عنون شهروندان درجه دو محسوب می شوند که این اقدام با مخالفت شدید فلسطینی های داخل و خارج و همچنین برخی طیف های سیاسی درون جامعه ی رژیم صهیونیستی مواجه می باشد و آن را اقدامی خطرناک برای امنیت این رژیم می دانند. در این باره ریولین رئیس جمهور پیشین رژیم صهیونیستی ضمن مخالفت با این قانون، این سؤال را مطرح کرده است: «آیا این قانون حربه ای در اختیار افرادی که بدنبال اتهام زدن به ما هستند، قرار نمی دهد؟». فلسطینی ها این قانون تبعیض آمیز را جلوه هایی از دموکراسی موجود در سرزمین های اشغالی می دانند که از مدت ها قبل در حال اجرا و نهادینه شدن است. (Jodi, 2014) هم چنین داده ها در شاخص دموکراسی نشان دهنده ی شکاف دموکراسی در سرزمین های اشغالی فلسطین است. در سرزمین های اشغالی دو گروه متمایز چپ سیاسی و میانه از یک طرف و صهیونیست های یهودی راست گرا و مذهبی از سوی دیگر وجود دارند که هر یک دیدگاه بسیار متفاوتی از دموکراسی و دولت رژیم صهیونیستی دارند. شکاف دموکراتیک همچنین در دیدگاه های مربوط به ارزشهای اساسی دموکراسی مانند حق رأی و حقوق اقلیت ها برای داشتن یک مشارکت برابر در تصمیم گیری مشهود است. اکثر جناح راست و حتی اکثریت کسانی که خود را متعلق به جناح میانه رو می دانند، بر این باورند که تصمیم های مهم کلان سیاسی باید توسط اکثریت یهودیان اتخاذ شود. این در حالی است که صهیونیست های مذهبی و راست گرا بر یهودی سازی بیش از پیش سرزمین های اشغالی تأکید دارند اما اکثر گروه های سکولار چپ به دنبال جامعه ی لیبرال و تعمیق دموکراسی در فلسطین اشغالی هستند. پیش بینی می شود که گسل بین این دو دیدگاه، به یکی از مسائل اساسی سیاسی سال های آینده در سرزمین های اشغالی تبدیل شود. (Friedman, 2018)

۲-۴- شکاف بین احزاب چپ و راست

جامعه رژیم صهیونیستی به شدت شکننده و جمعیت یهودیان آن از ۱۰۲ کشور مختلف گردهم آمده اند. (در ایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۲۷۶) بر این اساس تعدد و کثرت قابل توجه احزاب، یکی از بارزترین خصوصیات نظام حزبی رژیم صهیونیستی است. معمولاً قبل از هر انتخابات در سرزمین های اشغالی فلسطین، تعداد کثیری از احزاب و گروه ها در قالب ائتلاف ها و لیست های متفاوت

در صحنه سیاسی و انتخاباتی این رژیم حاضر و با هم رقابت می کنند. شاید از دلایل این کثرت احزاب، نوع و بافت ترکیب جمعیتی این رژیم است. این بافت ناهمگون، سبب به وجود آمدن گروه های متعدد در نظام حزبی رژیم صهیونیستی شده است. (محمدی، ۱۳۸۵: ۸) با توجه به این که ریشه اختلافات سیاسی بین جریان های راست، میانه و چپ در طبقه و نژاد آن ها دارد؛ میزراحی ها، مهاجران روسی، ملی مذهبی ها و ارتدوکس های افراطی پایگاه های احزاب راست گرامی باشند و در بین یهودیان دارای جایگاه اقتصادی-اجتماعی پایینی هستند. هم چنین یهودیان اشکنازی که از موقعیت برتری برخوردارند و از نظر اقتصادی لیبرال و ملی گرامی باشند از جناح چپ و میانه رو حمایت و پشتیبانی می کنند. دیدگاه جناح راست سیاسی کوتاه بینانه می باشد و آن ها برای باورند که سرزمین های اشغالی فلسطین خانه ی یهودیان است و باید آن ها نسبت به سایر مذاهب برتر باشند. علاوه بر آن، برتری جمعیتی به عنوان یک عامل مؤثر برای سران این جناح در رقابت برای دستیابی به قدرت است. از سوی دیگر برای آن ها بین ماهیت یهودی و دموکراسی رژیم صهیونیستی، یهودی بودن در اولویت قرار دارد که این موضوع احتمال سازش با فلسطینی ها را کاهش می دهد. (Smootha, 2021) در واقع تعدد و تکثر احزاب، برگزاری ۴ انتخابات کنست در طول ۲ سال، کاهش نفوذ جریان چپ و تقویت جریان راست گرای افراطی، ائتلاف های شکننده، پیوند احزاب با طبقه و نژاد، ریشه در شکاف های اجتماعی درون جامعه ی صهیونیستی ها دارد که فرایند سیاسی در رژیم صهیونیستی را پیچیده و آن را با چالش های اساسی روبه رو کرده است و حتی نخبگان و مقامات مختلف سیاسی و امنیتی این رژیم بارها به این چالش ها اعتراف کرده اند که در ادامه به برخی از اظهارات آن ها اشاره می شود. یوسف ملمن تحلیلگر و روزنامه نگار برجسته صهیونیستی به نقل از «عزر وایزمن»^۱، رئیس اسبق این رژیم گفت: «اگر خطری برای استمرار موجودیت اسرائیل به عنوان یک حکومت دموکراتیک و یهودی وجود داشته باشد، این خطر داخلی است، نه خارجی». ملمن در ادامه تأکید کرد: «رژیم صهیونیستی به عنوان یک حکومت و جامعه از هم خواهد پاشید. شکاف، اختلاف، انزجار و تنفر از ارزش های لیبرالیسم، اختلافات سیاسی بین راست گرایان، میانه روها و چپ گرایان، بین سکولارها و مذهبی ها، بین شرقی ها و غربی ها، ساختار سست و موجودیت این رژیم را تهدید می کند. علاوه بر آن، اشغال گری و سرکوب ملت فلسطین

1 - Ezer Weizman

و پیامد های خطرناک آن برای دموکراسی و جامعه راهم باید به عوامل مذکور اضافه کرد. این مسائل در دوران حکومت بنیامین نتانیا هو آغاز نشده، اما در دوران اوشتاب گرفته است.»

(Melman, 2020) رثوون ریولین^۱، رئیس سابق رژیم صهیونیستی نیز در پانزدهمین کنفرانس سالانه هرتر لیادر مورد آنچه که وی آن را «اسرائیل واقعی» نامید گفت: «جامعه ی صهیونیست ها تغییر یافته است و در حال حاضر به چهار قبیله ی جدا از هم تقسیم شده است که شامل شکاف بین چپ و راست، ثروتمند و فقیر، اشکنازی و سفاردی می باشد که برون رفت از اختلافات کنونی بین چهار قبیله بسیار دشوار است.» (David Miller, 2015) یوال دیسکین^۲ رئیس سابق سرویس امنیت عمومی رژیم صهیونیستی (شین بت) نیز با ابراز نگرانی از پایان عمر این رژیم تأکید کرد که اسرائیل هرگز برای نسل آینده باقی نخواهد ماند. وی تأکید کرد که شکاف بین اسرائیلی ها هر روز عمیق تر می شود به گونه ای که اختلافات بین جریان چپ گرا و راست گرای اسرائیلی بسیار بیشتر از اختلافات بین یهودیان و اعراب است.» (Moamar, 2021) هم چنین تامیر پاردو^۳ رئیس سابق موساد در این باره گفت: «افزایش شکاف درونی بزرگترین وهم چنین تنها تهدید اصلی برای موجودیت رژیم صهیونیستی است و نتیجه ی شکاف درونی، جنگ داخلی است و اگر تضاد و تنفر در یک جامعه ای از مرز معینی عبور کند، احتمال وقوع پدیده ای به نام جنگ داخلی قوت می گیرد و ما هم اکنون در این مسیر حرکت می کنیم.»

(Whitman, 2016) بنابراین فعال و متراکم شدن شکاف های اجتماعی در درون جامعه ی صهیونیست ها در حال تبدیل شدن به جنبش های اجتماعی در سرزمین های اشغالی فلسطین (انتفاضه و درگیری های اخیر اعراب سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ بایهودیان افراطی و نیروهای اشغالگر قدس) شده است و با توجه به تکثر هویتی، تفاوت عقیده، مذهب و اصول سیاست و هم چنین روند روبه رشد گرایش یهودیان به جریان راست افراطی و روند نزولی نفوذ جریان چپ در سرزمین های اشغالی، پیش بینی می شود بیش از پیش زمینه ساز تضادها و درگیری ها در درون جامعه ی رژیم صهیونیستی شود و امنیت و موجودیت این رژیم را با چالش اساسی مواجه سازد.

1 - Reuven Rivlin

2 - Yuval Diskin

3 - Tamir Pardo

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و در چارچوب مکتب کپنهاک تأثیر چالش های اجتماعی بر امنیت رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار داده و مطالعه انجام گرفته نشان می دهد که تأمین امنیت این رژیم، همواره در صدر فهرست عناصر تشکیل دهنده ی استراتژی کلان رژیم صهیونیستی قرار دارد و همچنان یکی از دغدغه های اساسی هیأت حاکمه ی آن می باشد. در این راستا چهارچالش (مهاجرت، افت جمعیت، رقابت طولی و رقابت افقی) فراروی امنیت اجتماعی رژیم اشغالگر قدس مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

چالش نخست این که رژیم صهیونیستی فاقد مؤلفه های تشکیل دهنده دولت - ملت بوده و با انتقال یهودیان از ۱۰۲ کشور جهان تشکیل شده است و مهاجرت یکی از ارکان امنیت ساز آن محسوب می شود. اما از سوی دیگر ورود این مهاجران یهودی به داخل فلسطین اشغالی، ترکیب ساختار جامعه بومی آن را دگرگون و به کوچ اجباری اعراب از زادگاه اصلی آن ها و همچنین تقویت هویت اکثر جامعه (یهودیان)، موجب منازعه بین آن ها و اقلیت اعراب گردیده است. از این رو، با گذشت بیش از ۷ دهه از تأسیس رژیم اشغالگر قدس، جامعه ی آن مصنوع و همچنان نامتجانس و ناهمگون می باشد و علی رغم وجود مشوق های گوناگونی برای مهاجرت یهودیان خارج به داخل فلسطین اشغالی، مهاجرت به درون سرزمین های اشغالی در حال کاهش می باشد و از سوی دیگر مهاجرت معکوس بویژه در میان یهودیان متخصص و نخبه نیز روندی روبه افزایش دارد.

جمعیت از دیگر مؤلفه هایی اصلی ادامه ی بقا و کاهش آن، چالشی اساسی برای موجودیت رژیم صهیونیستی محسوب می شود که سردمداران آن از ابتدای تأسیس این رژیم، همواره بر آن تأکید داشته اند. برابری بررسی های انجام گرفته توسط موسسات علمی و پژوهشی، جمعیت صهیونیست ها از نظر کمی و کیفی در حال کاهش است به گونه ای که نرخ زاد و ولد جمعیت یهودیان داخل و خارج از سرزمین های اشغالی سیری نزولی دارد و برعکس، جمعیت اعراب و غیر یهودیان در حال افزایش می باشد. همچنین نامتجانس بودن نرخ رشد جمعیت در درون جامعه صهیونیست ها (افزایش نرخ رشد زاد و ولد در بین ارتدوکس های افراطی نسبت به یهودیان

سکولار) و برهم خوردن توازن جمعیتی بین صهیونیست ها و غیر یهودیان، امنیت و هویت یهودی این رژیم را با چالش مواجه کرده است.

عامل سوم وجود رقابت طولی در بین یهودیان ساکن فلسطین اشغالی (بین مهاجران بامنشأ کشورهای غربی بویژه آمریکا با سایر یهودیان) می باشد. این امر موجب رشد و گسترش ارزش های آمریکایی در بین یهودیان اسرائیلی (بویژه در بین جوانان) و سست شدن بنیان های ایدئولوژی صهیونیسم شده که با هویت یهودی این رژیم در تضاد می باشد.

رقابت افقی نیز مؤلفه چهارم از چالش های پیش روی امنیت اجتماعی رژیم صهیونیستی است که مصادیق آن وجود شکاف های متعدد قومی، دینی، مذهبی و طبقاتی در جامعه ی صهیونیست های ساکن فلسطین اشغالی است که به صورت بالفعل و بالقوه فعال در حال متراکم و بارشدن بر روی هم می باشند. اما در بین آن ها، شکاف بین یهودیان و اعراب، شکاف بین یهودیان مذهبی (ارتدوکس افراطی) با یهودیان سکولار و شکاف بین چپ و راست فعال ترمی باشند که این شکاف ها موجب تضادهای اجتماعی و سیاسی در درون فلسطین اشغالی شده و در برخی اوقات نیز در قالب جنبش های اجتماعی در بین یهودیان (جنبش میزراحی ها، یهودیان سیاه پوست و...) و قیام اعراب در سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ (مانند و قایع پس از جنگ های غزه و...) ظهور و بروز یافته است که در صورت تداوم این روند و پیوند با سایر مقوم ها (چالش های اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی) موجب جنگ داخلی و تهدیدی وجودی برای امنیت این رژیم محسوب می شوند.

فهرست منابع

- صادقی، سید شمس‌الدین، مارابی، مهری و اکسا، نرگس (۱۳۹۵). «ایران-عراق چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه» فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۲۲: ۱۶۲-۱۲۹.
- عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۷۷). «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای» مجله سیاست دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴) «ساخت ژئوپولیتیک سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره ۲: ۶۵-۹۵.
- Arbatov, A. (2021). Nuclear Deterrence: A Guarantee for or Threat to Strategic Stability? In NL ARMS Netherlands Annual Review of Military Studies 2020 (pp. 65-86). TMC Asser Press, The Hague.
- Clarke, C., & Smyth, P. (2017). The Implications of Iran's Expanding Shia Foreign Fighter Network. CTC Sentinel, 10(10), 14-18.
- Coats, D. R. (2019, January). Statement for the Record: Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community, Daniel R. Coats, Director of National Intelligence, Senate Select Committee on Intelligence, January 29, 2019. In United States. Office of the Director of National Intelligence; United States. Congress. Senate. Select Committee on Intelligence. United States. Office of the Director of National Intelligence; United States. Congress. Senate. Select Committee on Intelligence.
- Eisenstadt, M. (2021). Iran's Gray Zone Strategy. PRISM, 9(2), 76-97.
- Groitl, G. (2021). Miranda Priebe/Bryan Rooney/Nathan Beauchamp-Mustafaga/Jeffrey Martini/Stephanie Pezard: Implementing Restraint. Changes in US Regional Security Policies to Operationalize a Realist Grand Strategy of Restraint. Santa Monica, CA: RAND Corporation, 2021. SIRIUS-Zeitschrift für Strategische Analysen, 5(3), 292-293.
- Katzman, K. (2021). Iran's Foreign and Defense Policies. Congressional Research Service Washington United States.
- Mazarr, M. J., Chan, A., Cheravitch, J., Hornung, J. W., & Pézard, S. (2021). What Deters and why: Applying a Framework to Assess Deterrence of Gray Zone Aggression. RAND Corporation.
- McInnis, K. J. (2005). Extended deterrence: The US credibility gap in the Middle East. Washington Quarterly, 28(3), 169-186.
- Morris, L. J., Mazarr, M. J., Hornung, J. W., Pezard, S., Binnendijk, A., & Kepe, M. (2019). Gaining Competitive Advantage in the Gray Zone: Response Options for Coercive Aggression Below the Threshold of Major War. RAND National Defense Research Institute Santa Monica United States.
- NAM statement -- Charter Committee - the United Nations <https://www.un.org › sixth › 75 › pdfs › statements>
- Tabatabai, A. M., Martini, J., & Wasser, B. The Iran Threat Network (ITN). RAND Corporation
- the United Nations (2020) Report of the Special Committee on the Charter of the United Nations and on the Strengthening of the Role of the Organization" Available at:
- Wirtz, J. J. (2017). Life in the "Gray Zone": observations for contemporary strategists. Defense & Security Analysis, 33(2), 106-114.

